

بررسی ترجمه و فنون آن در تحریر ختنی و جره چهیدکا بر جلدارماتا

مهرداد درفش‌ی* (دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ایران)
 محمود جعفری دهقی* (استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ایران)

چکیده: بیشتر آثار به‌جامانده از زبان ختنی متون بودایی است که بخش عمده آنها نیز نه تألیفاتی مستقل بلکه ترجمه سوتره‌های بودایی مهاییانه از زبان سنسکریت است. وجره چهیدکا (Vajracchedikā) به معنی الماس بُر یکی از کهن‌ترین متون کمال فرزانیگی یا پرچناپارماتا (Prajñāpāramitā) در آیین بودایی مهاییانه است که در آن، در قالب گفت‌وگوی بودا و شاگردش سوبهوتی (Subhūti)، خلاصه‌ای از آموزه‌های کمال فرزانیگی ارائه می‌شود. موضوع محوری این سوتره، همچون دیگر سوتره‌های کمال فرزانیگی، نفی خود، اصل تهیگی، دهرمه، ویژگی‌های بوداسف‌ها و غیره است. از آنجاکه بر روی دست‌نویس ختنی این متن تاریخی معادل ۹۴۱ میلادی آمده است، باید همین تاریخ را دیرترین تاریخ محتمل نگارش آن فرض کرد. سوتره‌ها در جامعه پیرو آیین مهاییانه آن زمان ختن بسیار محبوب و مقدس بوده است. به سبب تقدس و اهمیت چنین متن‌هایی نزد پیروان، وظیفه ترجمه این متون برای مترجم بسیار دشوار می‌شود. مترجم برای موفقیت در این کار نیازمند به‌کارگیری فنون و شیوه‌های گوناگون ترجمه است تا متنی مطمئن و رسا در اختیار خوانندگان قرار دهد. در این مقاله ترجمه و فنون ترجمه به‌کاررفته در تحریر ختنی وجره چهیدکا مانند وام‌گیری، گرده‌برداری، ترانهش، و... بررسی می‌گردد. این شیوه‌های ترجمه بر مبنای هدف مورد نظر در سه گروه استانداردسازی، روشنی سخن و وفاداری به متن اصلی دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، فنون ترجمه، سنسکریت، ختنی، وجره چهیدکا پرچناپارماتا، بودا.

* mehrderafshi@gmail.com

* mjdehaghi@yahoo.com

۱. مقدمه

۱.۱. ختن

ختن یک پادشاهی باستانی پیرو آیین بودایی در بخش غربی حوضه تاریم در جنوب صحرای تکله مکان بود، جایی که امروزه استان سین کیانگ چین واقع است (Emmerick, 1992, p. 1). قرارگرفتن ختن بر سر راه های بازرگانی میان چین و هند و ایران، آن را به یک چهارراه تبادل اندیشه و فرهنگ میان این تمدن ها تبدیل کرد و ختن به ویژه در انتقال آیین و آثار بودایی از هند به چین نقش مهمی ایفا می کرد. افسانه های گوناگون پایه گذاری پادشاهی ختن را به پسر آشوکا، امپراتور هند، یا وزیران او نسبت می دهند که به سده سوم پ.م. بازمی گردد. صرف نظر از ارزش تاریخی، این روایات نشان دهنده تأثیر فرهنگی هند بر ختن است. نخستین گزارش های تاریخی معتبر درباره ختن در تاریخ نگاری چینی از سده دوم پ.م. به جا مانده و تا چند سده بعد نیز از این منطقه در منابع چینی یاد شده است. اطلاعات تاریخی ختن از منابع چینی، اسناد ختنی و گزارش های زائران بودایی به دست می آید (ibidem). اگرچه شواهدی مستقیم از آغاز گروش به آیین بودایی در ختن در دست نیست، اما از سده یکم پیش از میلاد، آیین بودایی مهیاانه در این منطقه رواج داشته است. گزارش های زائرانی چون فاهسین^۱ و هسوان تسانگ^۲ نشان می دهد ختن دارای صومعه های متعدد و جمعیت عظیمی از راهبان بودایی بوده است (ibid, p. 3). گزارش های تاریخی مبنی بر اینکه بسیاری از دست نویس های سنسکریت از ختن به چین رفته است و بسیاری از این آثار را مترجمان ختنی از سنسکریت به چینی برگردانده اند، نشان دهنده اهمیت ختن به عنوان یکی از پایگاه های اصلی آیین بودایی است. سرانجام، هر چند منشأ قومی بنیان گذاران ختن نامشخص است، تأثیر فراگیر فرهنگ هندی و رواج زبان ایرانی ختنی دو ویژگی قطعی این پادشاهی به شمار می رود.

۲.۱. زبان ختنی

در اکتشافات باستان شناسی هیئت های غربی و ژاپنی در منطقه سین کیانگ چین در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم میلادی اسناد زیادی به زبان های ایرانی و غیرایرانی یافت شد. بخشی از این اسناد که از منطقه ختن و دون هوانگ به دست آمده به الفبای براهمی نوشته شده است. با رمزگشایی این زبان و

1) Fa-Hsien
2) Hsuan Tsang

خواندن متون بیشتر، آشکار شد که این متون به زبان سکایی، از شاخه شرقی زبان‌های ایرانی میانه، به نگارش درآمده‌است. با توجه به منطقه اکتشاف و نیز تصریح نام زبان «ختی» در پاره‌ای از متون مکشوفه، عنوان «سکایی ختی» در مجامع علمی مقبولیت یافت (Emmerick, 1992, p. 2-5).

زبان ختی، همچون دیگر زبان‌های ایرانی، در گذر زمان دستخوش تغییراتی در دستگاه آوایی شده که اثر مستقیمی روی دستگاه صرفی آن نهاده‌است. دست‌نویس‌های ختی موجود نشان می‌دهد که این تحولات پیوسته آوایی زبان ختی را از زبانی با دستگاه صرفی پیچیده در دست‌نویس‌های سده پنجم به زبانی با دستگاه صرفی بسیار ساده‌شده مبتنی بر تمایز صرف صریح و غیرصریح در متأخرترین دست‌نویس‌ها در سده دهم تبدیل کرده‌است. اگرچه این تحولات تدریجاً و در درازای شش سده رخ داده‌است، عموماً زبان این دست‌نویس‌ها را بر پایه تفاوت‌ها در آواشناسی، صرف و غیره به دو گروه عمده ختی قدیم و ختی جدید یا متأخر تقسیم می‌کنند که در هر صورت یک تقسیم‌بندی قراردادی است (Maggi, 2009, p. 333).

بیشتر آثار به‌جامانده از زبان ختی متون بودایی است که بخش عمده آنها نیز نه تألیفاتی مستقل بلکه ترجمه سوتره‌های بودایی مهاییانه از زبان سنسکریت است که در جامعه پیرو آیین مهاییانه آن زمان ختن محبوب بوده‌است.

۱.۳. وجره‌چهیدکا پرچناپارماتا

وجره‌چهیدکا^۱ به معنی «الماس‌بر» یکی از کهن‌ترین متون کمال‌فرزانگی^۲ در قالب گفت‌وگوی بودا و شاگردش سوبهوتی است که در آن خلاصه‌ای از آموزه‌های کمال‌فرزانگی ارائه می‌شود. موضوع محوری این سوتره، همچون دیگر سوتره‌های کمال‌فرزانگی، نفی خود، اصل تهیگی، دهرمه، ویژگی‌های بوداسف‌ها و جز آن است. از آنجاکه بر روی دست‌نویس ختی این متن تاریخی معادل ۹۴۱ میلادی آمده‌است، باید همین تاریخ را دیرترین تاریخ محتمل نگارش آن فرض کرد. نسخه ختی این متن در دست‌نویس Ch. 00275 کتابخانه بریتانیا شامل ۴۴ برگ آمده‌است (Emmerick, 1992, p. 34-35; Maggi, 2009, p. 371-372).

1) Vajracchedikā

2) Prajñāpāramitā

۱.۴. ترجمه در ختن

در آغاز گسترش آیین بودایی در ختن، دسترسی مردم عادی به کلام بودا تنها به واسطه راهبانی بود که این متون را به ایشان شرح و آموزش می دادند. این راهبان ختنی دانش ژرفی از زبان های اصلی این متون (سنسکریت، پراکرت و ...) داشتند تا جایی که برخی از ترجمه های آغازین سوتره های بودایی از زبان های هندی به زبان چینی نیز به دست ایشان انجام گرفت. پس از چندی، ایشان اقدام به ترجمه این متون به زبان ختنی کردند. اگرچه بر پایه گواهی خود متون ختنی (نک: 4. 24. *Zambasta*) این ترجمه ها در آغاز چندان جدی گرفته نمی شدند اما سده ها کوشش پیوسته در زمینه ترجمه در کنار دانش گسترده مترجمان و سرمشق گیری از فرایند ترجمه در دیگر زبان های مهم جهان بودایی مانند چینی و تبتی، سرانجام به زبان ختنی اعتباری همسنگ آن زبان ها در میان مردمان ختن بخشید (Maggi, 2009, p. 338-339; Degener, 2024, p. 109).

برخلاف مترجمان متون سنسکریت به دیگر زبان ها، مترجمان ختنی برابری یکنواختی برای اصطلاحات بودایی به کار نبرده اند و حتی در یک متن ترجمه های متفاوتی برای یک اصطلاح مشابه دیده می شود. مترجمان ختنی در بسیاری از موارد متن اصلی سنسکریت را دقیقاً واژه به واژه ترجمه نکرده، بلکه معنای متن را انتقال داده اند و گاهی یک یا چند واژه به متن افزوده اند تا متن قابل فهم تر شود. این افزوده ها در برخی موارد طولانی تر هستند و باید آنها را الحاقات تفسیری در نظر گرفت. با این حال، این بسط ها و اضافات از معنای اصلی متن منحرف نمی شود و در محدوده سنت های تفسیری بودایی قرار دارد که نشان دهنده تسلط مترجمان بر آموزه های بودایی است (Degener, 1989, p. 366).

می توان گفت که تقریباً هیچ اطلاعاتی درباره شخصیت و هویت مترجمان متون ختنی در دست نیست. اما در مقدمه و جره چکید کلماتی آمده است که از محدود شواهدی است که در آن یک مترجم از انگیزه و خواست شخصی خود سخن می گوید: پس اکنون بر آنم که (این سوتره را به ختنی) بگردانم به مهر قانون، همراه با ایمان. بادا که بودایان مرا بپایند تا چنان که بایسته است توانمش بازگفتن.^۱

۱.۵. پیشینه پژوهش

روش شناسی و فنون به کاررفته در ترجمه متون بودایی از سنسکریت به ختنی تاکنون موضوع اصلی مطالعه جامع نبوده است. امریک در مقدمه سیده ساره ختنی اشاره ای گذرا به این مبحث کرده است

(Emmerick, 1982). دگنر نیز مقاله‌ای درباره فنون ترجمه در تحریر ختنی و جره‌چهدکا دارد. اما او در این مقاله به جای آنکه به بررسی فنون گوناگون ترجمه در این متن بپردازد، بیشتر در پی بازشناسی منابع احتمالی واژه‌ها و عبارات افزوده موجود در ترجمه ختنی است (Degener, 1989). شروو در مقدمه سورنه بهاسوئمه‌سوئره گزیده‌ای را از فنون ترجمه به‌کاررفته در این متن با نمونه‌هایی اندک برای هرکدام ارائه داده‌است (Skjærvø, 2004, v. 1, p. lxxiv-lxxviii). طامه در مقاله‌ای شیوه‌های ترجمه را در تحریر ختنی جیوکه‌پوستکه بر پایه تمایز نظری میان «ترجمه ارتباطی» و «ترجمه معنایی» بررسی کرده‌است و نمونه‌هایی برای هرکدام از شیوه‌های ترجمه همچون وام‌گیری، گرده‌برداری، ترانهش و تعدیل ارائه داده‌است (طامه، ۱۳۹۹). دگنر در مقاله دیگری به بررسی شیوه‌های بنیادین مترجمان ختنی در برابرگزینی، تعهدشان به ارائه متنی فهمیدنی و همچنین وفاداری به متن اصلی در متون بودایی ختنی پرداخته‌است (Degener, 2024).

۲. فنون ترجمه در تحریر ختنی و جره‌چهدکا پرجناپارماتا

جره‌چهدکا یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات پرجناپارماتا است و از تقدس و جایگاه والایی نزد پیروان آیین بودایی مهاییانه برخوردار بوده‌است. مترجم ختنی با آگاهی از این جایگاه برای انتقال دقیق محتوای متن به زبان ختنی از ابزارهای ممکن بهره برده‌است. وی با استفاده از روش‌هایی چون ترجمه ساده و ترجمه قرضی کوشیده‌است نظامی استانده را برای برابرای سنسکریت-ختنی ایجاد نماید. مترجم در عباراتی که متن را برای مخاطب ختنی مبهم انگاشته، با برگردان یک واژه سنسکریت به بیش از یک واژه و گاه به یک عبارت، همچنین با افزودن شرح و تفسیر ابهام را از متن زدوده‌است تا احتمال کژفهمی هم‌زبانان خود را به حداقل برساند. افزون‌براین، با وجود جرح و تعدیل‌ها و افزوده‌های بسیار در ترجمه، همچنان آموزه‌های بنیادین بودا با امانت‌داری به مخاطب ختنی انتقال می‌یافت. فنون ترجمه به‌کاررفته در این متن بر پایه هدف و کارکردشان به شرح زیر دسته‌بندی و بررسی می‌شوند.

۲.۱. استانده‌سازی

اگرچه همچنان که یاد شد در زبان ختنی آن نظام یک‌پارچه برابرگزینی مانند دیگر زبان‌ها (همچون تبتی) دیده نمی‌شود، در بررسی فنون ترجمه به‌کاررفته در جره‌چهدکا سنجش میزان استانده‌سازی

برابره‌ای متناظر سنسکریت-ختنی از اهمیت بالایی برخوردار است. استانداردسازی در این چارچوب به میزان یکنواختی برابره‌ای ختنی که در ترجمه یک واژه یا اصطلاح مشخص سنسکریت به کار رفته است اطلاق می‌شود. شواهد و جره‌چکیدکا رویکرد قاعده‌مندی را در برابرگزینی نشان می‌دهد درحالی‌که درجاتی از انعطاف‌پذیری را نیز می‌توان دید. مواردی در متن وجود دارد که در آن برای نمایاندن ظرایف معنایی، یک اصطلاح سنسکریت با بیش از یک برابر ختنی ترجمه شده است: س.^۱ *dharmā* «دهرمه، قانون، پدیدار»: خ. *dharmā* «دهرمه»، *dāta* «قانون»، *hāra* «چیز».

س. *pratigra* «گرفتن، در اختیار گرفتن، برخوردار شدن»: خ. *nās* «گرفتن»، *biysamj* «در اختیار گرفتن»، *hamphūs* «برخوردار شدن». س. *loka* «جهان»: خ. *ysamaśamdaa* «جهان»، *hve* «انسان». از سوی دیگر، گاهی چند واژه سنسکریت با معانی نزدیک به هم تنها با یک برابر ختنی ترجمه شده است:

س. *dharmā* «دهرمه»، *dharmaparyāya* «مجموعه آموزه‌ها»: خ. *dāta* «قانون». س. *kāya* «تن»، *ātma-bhāva* «وجود، تن»: خ. *ttaramdara* «تن».

ترجمه ساده

ترجمه ساده در اینجا به معنای برگردان هر واژه سنسکریت به یک واژه ختنی بدون به‌کارگیری شرح و تأویل و دیگر فنون برابریابی همچون گرده‌برداری و جز آن است. ترجمه ساده برای برگرداندن واژه‌های عمومی زبان و همچنین اصطلاحات بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت از دید آموزه‌های دینی به کار می‌رود. در این روش، یک واژه سنسکریت ممکن است با برابر بومی ختنی، وام‌واژه هندی و یا واژه ختنی ساخته‌شده از وام‌واژه هندی ترجمه شود. این برگردان‌ها دارای محتوای تفسیری کمتری هستند که ویژگی ترجمه اصطلاحات بودایی است:

ترجمه واژه سنسکریت با برابر بومی ختنی

س. *dāna* «دهش، پیشکش»: خ. *haura* «دهش، پیشکش».

(۱) در این مقاله برای اشاره به زبان‌های سنسکریت، گاندهاری و ختنی در نمونه‌های کوتاه، کوتاه‌نوشت‌های «س.»، «گ.» و «خ.» و برای نمونه‌های بلندتر، کوتاه‌نوشت‌های «Skt.» و «Kh.» به کار می‌رود.

س. -kāya «تن»: خ. -*ttaramdara* «تن».

س. -*bahu* «بسیار»: خ. -*pharāka* «بسیار».

ترجمه واژه سنسکریت با وام‌واژه هندی

مستقیم از سنسکریت:

س. -*artha* «معنا»: خ. -*artha* «معنا».

س. -*rūpakāya* «پیکر (ظاهری)»: خ. -*rūpakāya* «پیکر (ظاهری)».

س. -*satva* «موجود»: خ. -*satva* «موجود».

غیرمستقیم (از پراکریت، گاندهاری، و ...):

س. -*saṃjñā* «انگاره»: گ. -*saṃñā* «انگاره» خ. -*saṃñā* «انگاره».

س. -*punya* «شایستگی، نیکی»: گ. -*puṇa* «شایستگی، نیکی»: خ. -*puṇa* «شایستگی، نیکی».

س. -*anitya* «پایدار»: گ. -*anica* «پایدار» خ. -*anica* «پایدار».

ترجمه واژه سنسکریت با واژه ختنی مشتق از وام‌واژه هندی

س. -*arhatva* «پایه ارهتی»: خ. -*arahaṃdauṇa* «پایه ارهتی».

س. -*kṣāmti* «بردباری»: خ. -*kṣamautitījā* «بردباری».

س. -*punya* «شایستگی» (در واژه‌های مرکب): خ. -*puṇīnaa* «(از آن) شایستگی».

گرده‌برداری یا ترجمه قرضی

وام‌گیری در سطح واژه شامل انتقال معنا و ریخت واژه است درحالی‌که در گرده‌برداری یا ترجمه قرضی^۱، تنها محتوای معنایی از زبان مبدأ منتقل شده و ریخت واژه متعلق به زبان مقصد است. این فرایند معمولاً زمانی رخ می‌دهد که در پی تبادل فرهنگی و زبانی درازمدت، برتری و مرجعیت فرهنگی و دینی زبان مبدأ سبب شکل‌گیری مفاهیم جدید در زبان مقصد می‌شود. گرده‌برداری در برگردان اصطلاحات تخصصی و عامیانه و همچنین در بیان مفاهیمی به کار می‌رود که برابر دقیقی در زبان مقصد ندارند. در گونه‌ای از گرده‌برداری که تقلید معنایی^۲ نام دارد معنی یک اصطلاح بیگانه به واژه بومی منتقل می‌شود. برای نمونه، هنگامی که واژه ختنی -*dāta* «قانون» به عنوان برابری برای

1) calque or loan translation

2) semantic copying

واژه سنسکریت *dharma* «قانون» تعیین شد، همه ظرایف معنایی این اصطلاح ویژه بودایی را به دست آورد. بنابراین یک اصطلاح بومی ختنی تحت تأثیر برابر سنسکریت خود دارای معنایی نو یا گسترده‌تر می‌گردد تا لایه‌های مختلف معنایی آن را بازنمایاند. در گونه‌ای دیگر از گرده‌برداری اجزای یک ترکیب اصطلاحی از زبان مبدأ به طور جداگانه در زبان مقصد ترجمه می‌شود که منجر به ضرب یک اصطلاح جدید و همچنین معرفی یک مفهوم نو در زبان مقصد می‌گردد:

س. *kulaputra*-(ویسپور): خ. *bisīvrāṣaa*-(ویسپور).

س. *dharmakāya*-(دهر مه‌پیکر): خ. *dāvīna-taraṃdara*-(دهر مه‌پیکر).

۲.۲. روشنی سخن

با توجه به همانندی‌های صرفی و نحوی میان سنسکریت و ختنی، بسیاری از مطالب زبان مبدأ می‌تواند بدون تغییرات چندانی به زبان مقصد منتقل شود. اما گاهی مترجم ختنی بخش‌هایی از متن را برای مخاطبان دشوار و نامفهوم می‌یابد. از این رو، می‌کوشد تا با تغییرات، توضیحات و افزوده‌هایی متن را قابل فهم‌تر کند، به‌ویژه در مواردی که متن دارای پیچیدگی‌های نحوی است. تغییرات مترجم در متن اصلی شامل ترانهش^۱، تعدیل^۲، افزودن عبارت‌های توضیحی درباره اشخاص، مکان‌ها و رویدادها، برگرداندن واژه سنسکریت به دو یا چند واژه یا درج عبارتی توضیحی در متن ختنی (زبان مقصد) و همچنین افزودن شرح و تفسیرهای نسبتاً طولانی است. به‌طور کلی در متن بررسی شده، رویکرد مترجم ترجمه لفظ به لفظ نبوده است، بلکه کوشیده است تا مفاهیم و آموزه‌های بودایی به مخاطب ختنی را در چارچوب متن همراه با شرح و تفسیر به‌درستی انتقال دهد.

برگردان یک واژه سنسکریت به دو یا سه واژه در ختنی

در این روش که با نام ترجمه دوگانه یا سه‌گانه^۳ نیز شناخته می‌شود (طامه، ۱۳۹۹، ص ۴۶)، مترجم می‌کوشد که معانی مختلف یک واژه را با ترجمه آن به دو یا چند واژه بیان کند. اغلب هر کدام از برابرهای یکی از این معانی گوناگون را نمایندگی می‌کند تا مخاطب نیز از این ظرایف معنایی آگاه شود. این روش ترجمه گاهی شامل یک وام‌واژه هندی است که یک یا دو واژه بومی ختنی معادل آن است (Skjærvø, 2004, v.1, p. lxxv):

1) transposition

2) modulation

3) dyadic or triadic translation

- (۷۰۸): س. udgrhya «آموخته و»: خ. nāsāti sājīyā «(فرا)گیرد (و) بیاموزد».
- (۱۰۲۴): س. udgrhya «آموخته و»: خ. sājīyā dijsāti «بیاموزد (و) بدارد».
- (۱.ب.۱۰): س. vyūha «آرایش، بخش بندی، شکل»: خ. padamjā «آرایش، ساختار»، piškala «بخش بندی».
- (۱.ب.۱۰): س. avyūha «بی آرایش»: خ. avyūha «بی آرایش»، aviṣkasta «بدون بخش بندی»، arūpin- «بدون شکل».

برگردان یک واژه سنسکریت به عبارتی توضیحی در ختنی

این برگردان‌ها در آغاز به روش ترجمه قرضی در شرح و تفسیر مفاهیم و اصطلاحات سنسکریت بودایی شکل گرفتند و سپس به دلیل کاربرد مکرر به عنوان برابری برای این اصطلاحات تثبیت شدند، به رغم اینکه این معادل‌ها معمولاً از برابری دیگر طولانی ترند:

- س. bodhisattva «بوداسف، جوینده بیداری»: خ. ba 'ysūṇa-vūysaa «جوینده بیداری»^۱.
- س. tathāgata «تتهاگته»: خ. ttāharā-tsūka «رهرو راستین»^۲.
- س. arhat «ارهت»: خ. pajsamānā āṣa 'ṇa «ستایش ارزان».
- س. arhat «ارهت»: خ. klaiṣī'nānā sānānā tvīṣā yanāka «نابودکننده دشمنان که کله‌ها (kleśa) هستند»^۳.

ترانهش

در ترانهش برای انتقال یک مفهوم به زبان مقصد، یک ساخت دستوری متفاوت از زبان مبدأ به کار گرفته می‌شود. در این شیوه ترجمه، یکی از اجزای کلام با عبارتی با ساخت نحوی متفاوت جایگزین می‌شود تا پیچیدگی‌های نحوی زبان مبدأ که ممکن است برای مخاطبان گنگ و نامفهوم باشد قابل فهم شود. مترجم ختنی با به کارگیری ترانهش بسیاری از اسم مصدرهای سنسکریت را به صورت عبارتی کامل در ختنی نوشته است:

(۴.۱):

Skt. caritvā:

رفته و

(۱) اسم مصدر در سنسکریت می‌تواند برای بیان عملی به کار رود که پیش از فعل اصلی جمله رخ داده است. برای این ترجمه نک: رضایی باغبیدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۰۳.

(۲) برای آگاهی بیشتر نک: Degener 1989, p. 350.

(۳) برای آگاهی بیشتر نک: ibid, p. 348-349.

(۴) برای آگاهی بیشتر نک: ibid, p. 349-350.

Kh. *kū ... tsuta hamyetā*: هنگامی که رفته بود

(۶.۱):

Skt. *pradakṣiṇīkṛtvā*: از راست به گرد (بودا) گشته و

Kh. *hvaramcainā ... tsuāmdā*: از راست رفتند

(۲.۲):

Skt. *ekāṃsam uttarāsaṃgaṃ kṛtvā*: ردا را بر یک شانه نهاده و

Kh. *śau sve cīvarā prahaṣṭi*: یک شانه را با ردا پوشاند

تعدیل

تعدیل شیوه‌ای از ترجمه است که در آن معنای متن اصلی از دیدگاهی متفاوت بیان می‌شود. در این روش که بر پایه تعدیل و تطبیق معنایی و مفهومی است، یک مفهوم مثبت در زبان مبدأ می‌تواند با جمله‌ای منفی در زبان مقصد بیان شود که احتمالاً برای مخاطب آن زبان آشنا تر است. مترجم متن سنسکریت و جره‌چیدکا به زبان ختنی از این روش بهره برده است:

(۱۷ب.۶):

Skt. *ahaṃ dīpaṃkareṇa tathāgatena vyākṛto*: تنهاگته دینکره درباره من پیش‌بینی می‌کرد.

Kh. *ni muhu vyira sā*: درباره من پیش‌بینی نمی‌کرد.

افزودن عبارت یا کلمات توضیحی برای اشخاص، مکان‌ها و جز آن

مترجم و جره‌چیدکا می‌کوشد با افزودن اطلاعاتی که در متن سنسکریت منعکس نشده است از ابهام آن برای مخاطب ختنی بکاهد و عبارات کلی یا موجز در متن سنسکریت را با افزودن مشخصات یا جزئیاتی در ختنی به تفصیل ترجمه می‌کند. این افزوده‌ها شامل آگاهی درباره اشخاص، مکان‌ها، گویندگان و مخاطبان، جزئیات کارهای فرعی در روایت و همچنین واژه‌ها و عبارت‌های ستایش‌آمیزی است که مترجم ختنی نیازمند شرح دانسته است.

الف) مشخصات اشخاص، مکان‌ها و ...

(۲.۱):

Skt. *śrāvastyāṃ*:

در شراوستی

Kh. *śrāvastā kṣīrā*:

در شهر شراوستی

(۲.۱):

Skt. *jetavane*:

در باغ جتر (Jetṛ)

Kh. *jīvā rrispūrā bāśa*:

در باغ جتر ویسپور

(۲.۱):

Skt. *anāthapiṇḍadasyārāme*:

در دیر اناتهپینده

Kh. *anāthapiṇḍī hārū saṃkhyerma*:

در دیر اناتهپینده بازرگان

(۷.۴):

Skt. *subhūtir āha*:

سوبهوتی گفت

Kh. *āśi 'rī subhūtā tta hve*:

سوبهوتی راهب چنین گفت

(۲.۱۶):

Skt. *imaṃ sūtrāṃtam*:

این سوتره را

Kh. *tvā vajrrachedaka sūtrā*:

این سوتره وجره‌چهدکا را

ب) مشخصات گویندگان و مخاطبان

مترجم در جریان گفت‌وگوی بودا و سوبهوتی عبارت‌هایی در ترجمه ختنی افزوده‌است تا گوینده سخن مشخص شود. افزون‌براین، ضمیر سوم شخص مفرد پیوسته (-ī) در برخی موارد که تعداد آن اندک نیست به متن افزوده شده تا مخاطب سخن یعنی بودا یا سوبهوتی برای خواننده روشن باشد:

(۸.۴): Ø. س.

Kh. *gyasta ba 'ysī tta hve*:

سرور بودا به او چنین گفت:

Ø. (۱.۱۹): س.

Kh. *tī vā gyasta ba 'ysā āśi 'rī subhūta gūṣṭe u tta pastai:*

سرور بودا سوبهوتی راهب را بخواند و به او چنین فرمود:

(۳.۶):

Skt. *bhagavān āha:*

سرور گفت:

Kh. *gyasta ba 'ysī tta hve:*

سرور بودا چنین گفت:

(۳.۸):

Skt. *subhūtīr āha:*

سوبهوتی گفت:

Kh. *subhūtī tta hve:*

سوبهوتی به او چنین گفت:

ج) اشاره به برخی جزئیات برای بهبود جریان روایت

Ø. (۴.۱): س.

Kh. *kū khāysna kīrā yuḍā yuḍe:*

چون که کار خوراک را ساخته کرد

Ø. (۴.۱): س.

Kh. *kū scetā paryeta hamye pāttara cīvarā pajsīṭhi:*

چون که زمانی گذشت، کاسه و ردا را کناری نهاد

Ø. (۴.۱۳): س.

Kh. *khu aysā miḍāṇa gyasta ba 'ysa tte hvanai arthā bve:*

اگر که من، ای سرور بخشنده، ای بودا، معنای این سخن را دریافته باشم

د) کاربرد قید تأکید

(۴.۳):

Skt. *aparimāṇāṃś ca satvān:*

بی‌شمار هستندگان

Kh. *dādirā avamāta satva:*

بس بی‌شمار هستندگان

(۷.۸):

Skt. *saṃprakāśayed*:

بیان کند

Kh. *vistarna birāśīyā*:

گسترده بیان کند

(۱۴ الف. ۳):

Skt. *eva dharmaparyāyāḥ*:

چنین مجموعه‌ای از آموزه‌ها

Kh. *didira gaṃbhīrā dā*:

قانون بسیار ژرف

ه) کاربرد واژه‌های ستایش‌آمیز

(۶.۱):

Skt. *pradakṣiṇīkṛtvā*:

از راست به گرد (بودا) گشته و

Kh. *hvaraṃcaīñā tvaṃdanā tsuāṃdā*:

به‌گرامی داشت از راست رفتند

(۱۵ ج. ۳):

Skt. *caitya sa prthivīpradeśo bhaviṣyati*:

آن بخش زمین، یک چایتیه خواهد شد

Kh. *cittyā māñāṃdā tte diśa' pajsam tcerai*:

مانند یک چایتیه به آن جای باید ارج نهاد

(۲۴. ۱): س. Ø

Kh. *bū' spyau jsai pajsam yañi*:

با بوی (خوش و) گل‌ها به آن باید ارج بنهد

افزودن شرح و تفسیر

کاربرد شرح و تفسیر در ترجمه ابزار دیگری است که مترجم ختنی و جره‌چهدکا به کار گرفته است. اما این افزوده‌های تفسیری نه بر پایه دیدگاه شخصی مترجم بلکه بر پایه سنت دیرینه شرح و گزارش آثار بودایی است. این افزوده‌ها که گاه از یک واژه تا شرح‌های طولانی را دربرمی‌گیرند، تنها برای رفع ابهام متن نبوده است بلکه نمایانگر کوشش مترجم در راه انتقال کامل و دقیق محتوای تعلیمی و ادله فلسفی متن در قالب متنی روشن و قابل فهم در راستای آموزش مخاطب ختنی است.

(۲. ۵):

Skt. *katham ... bodhisatvayānasamprasthitena sthātavyam*:

آن‌که در گردونه بوداسف راهی شده است، چگونه باید ایستادگی کند؟

Kh. *tta khu ... ba 'ysūñā-vūysaina baudhisatva-yāñā haṃsadaīna mara mahāyāñā viṣṭāñā*:

باری، یک جوینده بیداری که در گردونه بوداسف راهی شده است، چگونه باید اینجا، در گردونه بزرگ (مهایانه)، ایستادگی کند؟

:(۱.۴)

Skt. *bodhisatvena na vastupratīṣṭhitena dānaṃ dātavyam | na kvacitpratiṣṭhitena dānaṃ dātavyam*:

بوداسفی که وابسته چیزی است، نباید پیشکش دهد. نباید هنگامی که وابسته هرچه است، پیشکش دهد.

Kh. *ni baudhisatvana ātma-bhāvīnai vastā vīra pārāuttāna haurā haurāñā ku ṣṭa jā prattikārā vīra pārāuttāna haurā haurāñā*:

بوداسفی که وابسته چیزی مادی است، نباید پیشکش دهد. هرکه وابسته پاداش است، نباید پیشکش دهد.^۱

:(۷.ب.۱۷)

Skt. *bhaviṣyasi tvaṃ māṇavānāgate 'dhvani śākyamunir nāma tathāgato 'rhan samyakṣambuddhas*:

تو ای مرد جوان به هنگام آینده با نام شکیه مونی، تنهاگته، ارهت و بیدار کامل خواهی شد.

Kh. *hama thu māṇavā ustamājsī bāḍā śākyamunā nāma gyasta ba 'ysā . ttana cu ttūśāttā ṣi ' ba 'ysūstā na ra vara haṭṭha na drrūjā*:

تو ای مرد جوان در فرجامین زمان با نام شکیه مونی، سرور بودا می شوی. زیرا که تهیگی همان بیداری است. و آن جا نه راستی هست نه دروغ.

:(۳۲.الف.۲)

Skt. *kaṭhaṃ ca samprakāśayed yathā na prakāśayet tenocyate samprakāśaye iti*:

و چگونه باید (این سوتره را) بیان کند؟ چنان که آن را فاش نسازد. از این رو، چنین گفته شده است: باید آن را بیان کند.

Kh. *tta tta haḍi birāśā 'ñā khu hā uysnaurāṇa buhumāñā ni bajaitti ādarā hā yanāri o garkhuṣṭānā tta tta hvīdi birāśā 'ñā*:

اما باید چنان بیان شود که ارج بسیارش نزد هستندگان از میان نرود و آن را بزرگ و گرامی دارند. چنین گفته شده است: باید بیان شود.

(۱) برای آگاهی بیشتر نک: Degener, 1989, p. 351.

۳.۲. وفاداری به متن اصلی

از آنجا که سوتره‌ها کلام بودا محسوب می‌شدند، مترجمان ختنی رویکرد بسیار محافظه‌کارانه‌ای در ترجمه این متون داشتند، به گونه‌ای که ویژگی‌های سبکی و ظرایف معنایی متن سنسکریت در ترجمه نیز منعکس می‌شد. انحراف مترجمان از متن اصلی بیشتر در بخش روایی و غیراعتقادی بوده‌است که در این صورت متن به سلیقه مخاطب ختنی نزدیک‌تر می‌شد. مترجم وجره‌چیدکا برخلاف مترجمان ختنی دیگر، رویکرد آزادانه‌تری در ترجمه این اثر حتی در ترجمه مسائل مهم اعتقادی به کار گرفته‌است. اگرچه این آزادی محدود به سنت تفسیری بودایی است.

در تحریر ختنی، به‌ویژه در بخش‌های میانی، بندهای بسیاری از متن سنسکریت کاملاً حذف شده‌است. همچنین برخی بندها مانند بند ۲۴، دگرگون شده‌است که معلوم نیست این وضعیت نابسامان متن مربوط به ترجمه است یا به دلیل خطا و اشتباهاتی در روند رونوشت‌برداری از دست‌نویس‌هاست. در این گونه موارد، اگر شکل اصلی متن همین بوده‌است، آن را باید تلخیصی فشرده به شمار آورد که فاصله بسیاری از ترجمه وفادار به متن دارد. از سویی دیگر، این احتمال را باید در نظر داشت که نسخه سنسکریت در اختیار مترجم ختنی متفاوت از نسخه سنسکریت در دسترس ما بوده‌است، که این امر نیز به‌نوبه خود ارزیابی دقیق وفاداری در ترجمه را دشوار می‌کند.

چنان‌که پیش از این گفته شد متن دارای افزوده‌های تفسیری بسیار است. اما به‌رغم این حذف‌ها و افزوده‌های مهم، بخش‌های باقی‌مانده متن کاملاً دارای ویژگی شناخته‌شده ترجمه‌های سوتره‌هاست از جمله درجه بالایی از انطباق معنایی، حفظ ترتیب واژگان و برگردان دقیق اصطلاحات فنی و کلیدی.

حذف

هنگام سخن گفتن درباره مسئله حذف در ترجمه، چنان‌که ذکر آن رفت، باید احتمال وجود نسخه‌ای متفاوت از متن سنسکریت را نزد مترجم ختنی در نظر داشت. از دیدگاه روش‌شناسی صحیح نیست که نبودن یک واژه یا عبارت در متن ترجمه را به حذف آگاهانه نسبت داد. زیرا آنچه که در نگاه نخست حذفی ارادی به نظر می‌آید، ممکن است تنها به دلیل تفاوت در روایت‌های مختلف باشد. بنابراین، باید تمرکز بر مواردی باشد که در متن سنسکریت وجود دارد اما در ترجمه ختنی نیامده‌است. برای نمونه در متن سنسکریت قید *hīdam* «به‌راستی» (هشت بار) و همچنین صفت فاعلی ناگذر *bhāṣyamāṇa* «(هنگامی که) گفته‌شود» (چهار بار) در متن سنسکریت به کار رفته است که در ترجمه ختنی برابری

ندارند. در موارد دیگر، حذف‌های اساسی‌تر، مانند حذف اشاره به نام گوینده یا مخاطب رخ داده‌است که می‌تواند جریان روایت را مختل نماید:

(۲.۷):

Skt. punar aparaṃ bhagavān āyusmaṃtaṃ subhūtim etad avocat:

وانگهی سرور به پیر سوبهوتی چنین گفت: خ. Ø

(۱.ب.۹):

Skt. tat kiṃ manyase subhūte:

چه می‌اندیشی سوبهوتی؟ خ. Ø

(۱.د.۹):

Skt. tat kasya hetoḥ:

از چه رو چنین است؟ خ. Ø

(۲.الف.۱۳):

Skt. bhagavān āyusmaṃtaṃ subhūtim etad avocat:

سرور به پیر سوبهوتی چنین گفت:

Kh. gyastā ba 'ysā tta hve:

سرور بودا چنین گفت:

اختصار برای پیشگیری از تکرار

با وجود اینکه تکرار یک ابزار بلاغی متداول در سوتره‌هاست که با اهداف آموزشی و همچنین به خاطر نقل شفاهی متن در میان گروه شنوندگان به کار می‌رود، گاهی در ترجمۀ ختنی و جره‌چheidsکا فشرده و حذف شده‌است. به‌ویژه هنگامی که مترجم ختنی این تکرارها را زاید و بی‌اهمیت دانسته‌است. یکی از ویژگی‌های سبکی سوتره‌ها، تکرار پرسش از سوی پاسخ‌گو پیش از گفتن پاسخ است. چنین تکرارهایی دست‌کم دوبار در ترجمۀ ختنی حذف شده‌است. همچنین در بند ۲۶ متن سنسکریت، در بخشی از گفت‌وگو، سوبهوتی نخست به پرسش بودا پاسخی نادرست می‌دهد و پس از اینکه بودا او را تصحیح می‌کند، سوبهوتی پاسخ درست را می‌گوید. اما در متن ختنی، سوبهوتی همان ابتدا پاسخ درست را بیان می‌کند. باید به این نکته اشاره کرد که این ایجازگویی موجب خللی در فهم متن نمی‌شود:

(۲.د.۱۴):

Skt. evam etat subhūte evam etat subhūte:

چنین است سوبهوتی! چنین است سوبهوتی!

Kh. tta tta subhūta:

چنین است سوبهوتی!

(۸.۵۱۴):

Skt. *na ... cittam utpādayitavyam*: نباید اندیشه‌ای پیرورد (چهار بار).

Kh. *ni ... aysmu upevāñā*: نباید اندیشه‌ای پیرورد (یک بار).

(۱۵.الف.۱):

Skt. *gaṅgānadīvālukopamān*: مانند دانه‌های شن در رودخانه گنگ (دو بار).

Kh. *gaṃgā nyāya gruicyau sye māñamā*: مانند شن با (همه) دانه‌هایش در رودخانه گنگ (یک بار).

۳. نتیجه‌گیری

بر پایه نمونه‌های یادشده در این مقاله می‌توان دریافت که مترجم ختنی و جره‌چهیدکا نه تنها دارای دانش خوبی از زبان سنسکریت است بلکه آگاهی ژرف و گسترده‌ای نیز از سنت تفسیر آثار بودایی و شروح نوشته‌شده بر و جره‌چهیدکا و آثار دیگر دارد و در ترجمه خویش، آنجا که افزودن این آگاهی‌های تفسیری به متن را برای فهم مخاطب ختنی سودمند دانسته، در این امر درنگ نکرده است. او با به‌کارگیری فنون ترجمه گوناگون کوشیده است تا اصطلاحات فنی و مهم آیین بودایی را با دقت و روشنی حداکثر به زبان ختنی انتقال دهد و در این راه تعادل مناسبی نیز میان واژه‌های بومی ختنی و وام‌واژه‌های هندی ایجاد نموده است. روی هم رفته، با وجود اینکه ظاهر ترجمه در قیاس با متن اصلی دارای تغییرات نسبتاً گسترده‌ای است، اما محتوای اصلی به دقت حفظ شده است. با در نظر گرفتن این امر که وفاداری به متن لزوماً به معنای ترجمه واژه به واژه نیست، این تغییرات نیز بیان‌کننده عدول از وفاداری به متن نیست، بلکه نشان‌دهنده تعهد مترجم به انتقال دقیق آموزه‌های بنیادین بودا و به عبارت دیگر وفاداری در انتقال پیام وی است تا متنی دارای ارزش تعلیمی در دسترس هم‌زبانان ختنی قرار دهد.

منابع

- رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۹۱)، مقدمات زبان سنسکریت، ج ۲، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 طامه، مجید (۱۳۹۹)، «ترجمه و شیوه‌های ترجمه در تحریر ختنی جیوکه‌پوستکه»، نامه فرهنگستان (ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی)، ش ۱۲، ص ۳۵-۶۰.

- Degener, A. (1989), "Zur Übersetzungstechnik in der khotanischen Vajracchedikā", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 139, pp. 346-367.
- _____ (2024), "Translation Technique in Khotanese Buddhist Texts", *Siddham: Studies in Iranian Philology in Honour of Mauro Maggi*, Gerardo Barbera et al. (eds.), Wiesbaden, pp. 109-121.
- Emmerick, R. E. (1968), *The Book of Zambasta* (A Khotanese Poem of Buddhism), London, Oxford University Press.
- _____ (1982), *The Siddhasāra of Ravigupta, vol.2: The Tibetan Version with Facing English Translation*, Wiesbaden.
- _____ (1992), *A Guide to the Literature of Khotan*, 2nd edition thoroughly revised and enlarged, Tokyo, The International Institute for Buddhist Study.
- Maggi, M. (2009), "Khotanese Literature", in Ronald E. Emmerick and Maria Macuch (eds.), *The Literature of Pre-Islamic Iran* (Companion Volume 1 to A History of Persian Literature), London, pp. 330-417.
- Skjærvø, P. O. (2004), *This Most Excellent Shine of Gold, King of Kings of Sutras* (The Khotanese Suvarṇabhāṣottamasūtra), vol. 1, Harvard, Harvard University.
- Zambasta See Emmerick (1968)

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Rezai Baghbidi, Hassan (2012), *An Introduction to Sanskrit*, vol. 2, Tehran, Centre for the Great Islamic Encyclopaedia.
- Tame, M. (2021), 'Translation and Translation Techniques in Khotanese Version of Jivaka-Pustaka', *Iranian Languages and Dialects* (Special Issue of *Nomeh-ye Farhangestan*), no. 12, pp. 35-60.